

## مدگرایی (پوشش لباس) بانوان در تراز جامعه اسلامی با رویکردهای

### فرهنگی و دینی

علیرضا پیروزمند<sup>۱</sup> و مجید وامق<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۰

### چکیده

لباس به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل در ارتباط با انسان است که با استفاده از آن می‌توان به مواردی مانند فرهنگ و ارزش‌های حاکم در یک جامعه پی‌برد. لباس هم‌چنین از جمله عواملی است که به‌منظور پاسخ به تمایلات ذاتی انسان نظیر تمایل به تنوع، زیبایی و غیره بکارگرفته می‌شود و لذا گرایش به سمت پوشش و تنوع در آن سبب بروز پدیده‌ای به‌نام مد شده که با توجه به گسترش آن در جوامع و فراگیری آن در میان اقشار مختلف، این پدیده امروزه تبدیل به صنعتی قابل توجه شده است. آنچه می‌بایست در نظر گرفته شود، نمود یافتن فرهنگ و هویت در پوشش و لباس می‌باشد چراکه تغییرات در فرهنگ و هویت هر جامعه در نوع پوشش آن جامعه نیز نمود می‌یابد. لذا با توجه به اینکه جامعه و نظام ما اسلامی است و اشاعه مدهای وارداتی در جامعه به‌عنوان تهدیدی برای هویت جامعه اسلامی شناخته می‌شود، تلاش بر این است که، رابطه دین و فرهنگ، از سه دیدگاه متفاوت در حوزه دین و فرهنگ «دین، محصول فرهنگ»، «دین، یکی از عوامل فرهنگ‌ساز» و «دین، محور و منشا فرهنگ‌سازی» را تشریح کرده و بر اساس هر کدام از این دیدگاه‌ها موضوع (پوشش لباس بانوان) در تراز جامعه اسلامی را مورد بررسی قرار دهیم. مقاله حاضر در راستای موضوع مورد نظر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به بیان سه نظریه پرداخته و با استفاده از روش کتابخانه‌ای-اسنادی به گردآوری اطلاعات پرداخته و در نتیجه مطالعات خود بیان می‌کند.

**کلید واژه‌ها:** مد، مدگرایی، حجاب، دین حداقلی، دین حداکثری.

**استناد فارسی** (شیوه‌ی APA ویرایش هفتم، ۲۰۱۹؛ شیوه‌ی APSA)

پیروزمند، علیرضا؛ وامق، مجید (زمستان ۱۴۰۴). «مدگرایی (پوشش لباس) بانوان در تراز جامعه اسلامی با رویکردهای فرهنگی و دینی». پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه، سال هشتم، شماره ۴، پیاپی ۳۲، صص ۸۶-۶۱.

<sup>۱</sup>. استادیار گروه مدیریت فرهنگی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه عالی تحقیقات راهبردی و دفاع ملی، تهران، ایران.

ایمیل: [andishe.ar@gmail.com](mailto:andishe.ar@gmail.com)

<sup>۲</sup>. دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی فرهنگی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه عالی تحقیقات راهبردی و دفاع ملی، تهران، ایران.

ایمیل: [majidvamegh1388@gmail.com](mailto:majidvamegh1388@gmail.com)

کپی‌رایت © ۲۰۱۰، ایسک (انديشکده مطالعات راهبردی کریمه شیراز). این متن، مقاله‌ای برای دسترسی آزاد است که با توجه به استاندارد بین‌المللی (Creative Commons Attribution) CCA نسخه 4.0 توزیع شده است و به دیگران اجازه می‌دهد این اثر را بازرگانی کنند، آن را با دیگران به اشتراک بگذارند و مطالب را اقتباس کنند.

## ۱. مقدمه

انسان به اقتضای فطرت خویش، میل به زیبایی و جمال داشته و جویای پاکیزگی، زیبایی و آراستگی است و از ژولیدگی، پلیدی و پریشانی چه ظاهری و چه باطنی نفرت دارد. آراستگی باطنی در گرو تهذیب نفس و رعایت آداب و اخلاق است اما آراستگی ظاهری فرد از طریق پوشش و آرایش مناسب تأمین می‌گردد. پوشش یکی از شئون انسانی است و این شأن انسان به خصوصیات متفاوت فردی، اجتماعی وی مربوط می‌شود و می‌توان گفت که لباس پرچم وجود آدمی است که از اعتقادات و فرهنگ و آداب و رسوم وی سخن می‌گوید (کاملی، ۱۳۸۶). لباس و پوشش یک نماد فرهنگی، اجتماعی، مذهبی و ملی انسان به حساب می‌آید که بیانگر روحیات فرد پوشنده لباس است و تأثیری که لباس در زندگی انسان‌ها و تمدن‌های گذشته داشته و انسان از پوشیدن لباس می‌پذیرد بیانگر اهمیت لباس بین اقوام و ملل، در گذشته می‌باشد و به‌نوعی پوشش هر قوم و ملت، نشان دهنده فرهنگ آن قوم است و به بیان دیگر «لباس پرچم کشور وجود انسان است» (حداد عادل، ۱۳۷۴).

مد و مدگرایی پدیده‌ای است که از دیرباز در جوامع بشری وجود داشته و یکی از پیامدهای سبک زندگی غربی و تمدن غربی است که متأسفانه از طریق امپراطوری رسانه‌ای به نوعی همه ملت‌ها و امت‌ها از جمله امت اسلامی را تحت تأثیر قرار داده و آثار زیان‌بار آن گریبان آن‌ها را گرفته است. اما باتوجه به استقبال زیاد گروه‌های مختلف جامعه و گاهاً پیرویی‌های افراطی از مد و آسیب‌های ناشی از آن، همیشه مورد توجه اندیشمندان و صاحب‌نظران بوده است. بی‌تردید مبارزه قطعی با این پدیده، بدون تبیین دقیق آثار و پیامدهای آن برای عوام جامعه، آسان نخواهد بود و این وظیفه نیز قبل از هر کس، متوجه دانشمندان و فرهیختگان جامعه است که باید آسیب‌های این پدیده را با استفاده از شیوه‌های گوناگون، به اطلاع مردم برساند.

نقش زنان به‌عنوان نیمی از جامعه انسانی و کارکرد تربیتی ایشان در جامعه، در حوزه مد بسیار مهم و قابل توجه است. این مسئله زمانی مهم‌تر جلوه می‌کند که مشاهده می‌کنیم زنان دچار مدگرایی افراطی، آسیب‌های جبران‌ناپذیر اولاً به سلامت روحی و جسمی خود و ثانیاً به فرزندان که نسل آینده جامعه را تشکیل می‌دهند، وارد می‌کنند. این داستان با نابودی خانواده که یکی از ارکان اساسی جوامع به حساب می‌آید و در نتیجه انحطاط و نابودی جوامع پایان می‌یابد. پوشش (حجاب) از مسائل مهم در زندگی انسان‌ها است. می‌توان این موضوع را از زوایا و رویکردهای گوناگون تاریخی، جامعه‌شناختی، روان‌شناختی، هنری و دینی مورد مطالعه قرار داد، ولی مقصود ما در اینجا تنها بررسی اندازه و کم و کیف پوشش (حجاب) بر اساس مبانی اسلام است. مسئله پوشش، گاه چنان اهمیتی می‌یابد که صبغه فرهنگی و ملی به خود می‌گیرد و می‌توان با عنایت به آن، نگرش فکری و اعتقادی افراد و گروه‌ها را تعیین نمود. در این مقاله برآن شدیم تا به بررسی مدگرایی (پوشش لباس) بانوان در تراز جامعه اسلامی با رویکردهای فرهنگی و دینی، مورد بررسی قرار دهیم.

## ۲. پیشینه شناسی

از جهت پیشینه پژوهش، تحقیقاتی صورت گرفته است؛ از جمله: غلامعلی حداد عادل، «سکولاریزم و دین داری»، وی معتقد است: سکولاریزم به مفهوم جدایی دین از نظام سیاسی و اجتماعی و فرهنگی جامعه می‌باشد و جامعه سکولار به جامعه‌ای اطلاق می‌شود که دین، تعیین کننده ارزش‌ها، روش‌ها و نظام اجتماعی آنان نبوده و بر ارگان‌های آن حاکم نباشد. بنابراین سکولاریزاسیون به مفهوم سکولار کردن جامعه، صرفاً به هر روندی گفته می‌شود که دین‌زدایی جامعه را در پیش گیرد.

محمدتقی کرمی، «از فمینیسم جهانی تا فمینیسم ایرانی»، می‌گوید: به طور طبیعی تحولات پیش آمده در دوران مدرنیته بر زندگی فردی و اجتماعی زنان و در نتیجه بر الگوهای خانواده تأثیر فراوانی داشته است. چراکه تأکید آموزه‌های مدرنیته بر فردگرایی، مرجعیت‌زدایی، سکولاریسم در کنار ارزش‌های حاکم در اقتصاد جدید که عمدتاً بر مبنای انباشت سرمایه و افزایش تولید شکل می‌گرفت، به تدریج جامعه و زنان غربی را به بازنگری در شیوه‌ها و سبک‌های سنتی زندگی زن غربی ملزم کرد.

محمد مهدی کریمی‌نیا، «واکاوی پیامدهای مدگرایی در گزاره‌های اسلامی» مدگرایی و آثار و پیامدهای آن معلول علل متفاوت است. از عوامل مهم رواج‌دهنده این پدیده در جامعه تهاجم فرهنگی دشمن و نفوذ در فرهنگ و رسومات جامعه ایرانی و استفاده از زنان و حجاب برای ترویج نقشه‌های استعمارگرانه است. دشمن همواره از راه‌های مختلفی به ترویج مدگرایی منفی در جامعه پرداخته که از آن جمله می‌توان به مبارزه با ارزش‌های دینی، اسلامی، تهاجم به فرهنگ، ایجاد شک و شبهه در وجود نظام ولایت فقیه، ترویج برنامه‌های تلویزیونی مختلف در این زمینه و ... نام برد که از طریق آن‌ها در واقع قصد پیاده کردن مدگرایی از نوع نامطلوب آن در جامعه را دارند.

## ۳. مفهوم شناسی

### ۳-۱. تعریف مد

واژه‌ی «مد» واژه‌ای فرانسوی است و در زبان فرانسه به معنی طرز، اسلوب، عادت، شیوه، سلیقه، روش، رسم، و باب روز آمده است. *Mode* از ریشه لاتین *Modus* گرفته شده است. این واژه پس از جنگ جهانی اول، به دنبال نفوذ تمدن غرب، وارد زبان فارسی شد (صبور اردوبادی، ۱۳۶۸: ۱۶-۱۵). فرهنگ دهخدا مد را این‌گونه تعریف می‌کند: «مد» لغتی فرانسوی به معنی روش و طریقه موقت است که طبق ذوق و سلیقه اهل زمان، طرز زندگی و لباس پوشیدن و غیره را تنظیم می‌کند. شیوه متداول و باب زمان در شؤون زندگی اجتماعی را مد گویند (دهخدا، ۱۳۵۲: ۲).

در زبان انگلیسی اصطلاح *fashion* برای مد به کار می‌رود و تقریباً همان تعاریفی که برای مد در زبان فارسی و فرانسه آورده شد در ذیل واژه *fashion* نیز به کار می‌رود. روشی برای لباس پوشیدن، رفتار کردن، دکوراسیون یا یک علاقه که مدّ نظر قرار می‌گیرد (فرهنگ و بستر، ۱۹۸۶: ۸۲۵).

دایرةالمعارف تطبیقی علوم اجتماعی مد را این‌گونه تعریف می‌کند: مد عبارت است از شیوه‌های نسبتاً زودگذر کنش در آرایش شخصی یا طرز گفتار و بسیاری دیگر از رفتارها. تفاوت مد با رسم در آن است که بر خلاف رسم که دوام و دیرپایی ویژگی آن می‌باشد، تازه است و تبعیت از آن بیشتر به خاطر تازگی آن می‌باشد (شایان مهر، ۱۳۷۷: ۱۲۶). در جامعه شناسی، به رفتار جمعی نوظهوری که به قدر رسم اجتماعی تثبیت نشده باشد، مد اجتماعی می‌گویند. پیدایش و ظهور و افول مد، با همه سرعت آن معمولاً پنج مرحله ذیل را شامل می‌شود:

۱- آفرینش و ایجاد مد ۲- ارایه و معرفی مد ۳- مردم پسند کردن مد که در این مرحله کوشش دامنه‌داری در جهت شناساندن مد می‌شود و با استفاده از تبلیغات و رسانه‌های عمومی سعی در معرفی مد و کالای جدید و قبولاندن آن به جامعه می‌شود ۴- تولید انبوه ۵- پس از آن که تقاضای مد جدید به اوج خود رسید، قوس نزولی تقاضا و زوال مد آغاز شده و با پیدایی مد جدید مد قبلی از دور خارج می‌شود (زارعی، ۱۳۵۶: ۱۵۱).

بنابراین، مد پدیده‌ای نیست که مختص جامعه و فرهنگ خاصی باشد. هر جامعه‌ای بنا به مقتضیات زمانی و مکانی، در عرصه‌های گوناگون اعم از پوشاک، آرایش، طراحی ساختمان، تزئینات داخلی و میلمان منزل، مدهای مختلفی را به نمایش می‌گذارد. چنانچه مد، بخش وسیعی از افراد جامعه را تحت تأثیر قرار دهد، به آن مد اجتماعی گفته می‌شود.

انواع مد و از جمله مد اجتماعی اگر چه عمر کوتاهی دارند، ولی می‌توانند عامل مؤثری در جهت تغییرات اجتماعی مثبت یا منفی باشند. چه بسا یکنواختی رنگ، پوشش، آرایش و سبک زندگی در بلند مدت خستگی به بار آورد.

### ۳-۱-۱. اصطلاح شناسی مد

به طور معمول مد به الگوهای رفتاری، گفتاری و جلوه‌های زندگی گفته می‌شود که در هر دوره باب می‌شود (شایان مهر، ۱۳۷۷: ۴۸۲). و اما آنچه امروزه بیشتر در جوامع بروز دارد شیوه‌ها و مدل‌های آرایش و پوشاک و تکه کلام‌هایی است که مراجع مد رواج می‌دهد اکثر مراجع مد، هنرمندان عرصه سینما و هنر و ورزش هستند.

### ۳-۱-۲. مفهوم شناسی مدگرایی

به رعایت کننده سبک روز و کسی که بر اساس مد و رسم معمول روز جامعه رفتار می کند مدگرا می گویند (حییم، ۱۳۸۱: واژه Fashionable). به تعبیر دیگر مدگرایی تلاشی برای تقلید از نحوه آراستن، سخن گفتن و رفتار کردن و شبیه ساختن خود به وضعیت ظاهری فردی دیگر است (بافکار و کرباسیان، ۱۳۹۰: ۱۷).

با توجه به آنچه از تعارف مد و مدگرایی گفته شد می توان چنین نتیجه گرفت که مد پدیده های اجتماعی و الگوی رفتاری است که در جامعه رخ می دهد. به معنای سبک و اسلوب، در زندگی انسان است بنابراین ممکن است همه آنچه که به انسان مربوط است را، شامل شود به طور مثال، شامل نوع حرف زدن و یا سبک مهمانی دادن می شود، درحالی که اکثریت افراد جامعه فکر می کنند که مد فقط مربوط به سبک لباس و آرایش انسان ها است.

### ۳-۱-۳. بیانات مقام معظم رهبری رحمته الله علیه درباره مد

این حرف اشتباه نشود با اینکه بنده با مد و تنوع و تحول در روش های زندگی مخالفم؛ نه خیر، مدگرایی و نوگرایی اگر افراطی نباشد، اگر روی چشم و هم چشمی و رقابت های کودکانه نباشد، عیبی ندارد. لباس و رفتار و آرایش تغییر پیدا می کند، مانعی هم ندارد، اما مواظب باشید قبله نماي این مدگرایی به سمت اروپا نباشد؛ این بد است. اگر مدیست های اروپا و آمریکا در مجلاتی که مدها را مطرح می کنند، فلان طور لباس را برای مردان یا زنان خودشان ترسیم کردند، آیا ما باید اینجا، آن را تقلید کنیم؟ این بد است. خودتان طراحی کنید و خودتان بسازید (بیانات در دیدار جوانان و دانشجویان دانشگاه های استان همدان ۱۳۸۳/۰۴/۱۷).

### ۳-۱-۴. مد، ارزش است یا ضد ارزش؟

در اسلام، مد و مدگرایی نه ارزش است و نه ضد ارزش، چرا که گرایش به مد می تواند هم مثبت و اخلاقی باشد و هم منفی و ضد ارزش شود (همانی که برای چشم و هم چشمی و یا اسراف و تقلید از غرب) مدهای که با هنجارها و ارزش های دینی جامعه مغایر باشد، از نوع ضد ارزش است که باید با آن مبارزه کرد و مخالفت کرد. اما آن مدهای که ترویج فرهنگ ایرانی اسلامی باشد، ارزشمند است. وظیفه مسئولین این است که مطابق با اقتضای جامعه، سبکی از مد ایرانی اسلامی تولید کنند و از طریق رسانه آن را تبلیغ کنند تا به عنوان یک مد روز در جامعه استفاده شود.

### ۲-۳. حجاب

«حجاب» واژه‌ای عربی است و به گفته لغت شناسان عرب دارای دو معنای اصلی «به معنی مانع و حایل میان دو چیز» و «به معنای ستر و پوشش» است. مثلاً راغب اصفهانی (لغت شناس) در کتاب «المفردات» می‌گوید حجب و حجاب به معنای منع از وصول و رسیدن دو چیز به همدیگر است. ابن منظور (تاریخ‌نگار و محدث) نیز در لسان العرب، حجاب را به معنای «ستر» دانسته و گفته است حجاب به معنای ستر و پوشش است؛ «حجبه» یعنی آن را پوشانید، زن محجوب، زنی است که پوشیده باشد. در آیات قرآن نیز واژه حجاب هفت بار بکار رفته است و معنای کلمه در این هفت مورد، چیزی است که از هر جهت مانع دیده شدن چیز دیگر شود. در برخی از آیات به معنی مانع مادی بکار رفته و در برخی دیگر به معنی مانع معنوی.

#### ۱-۲-۳. حجاب در اصطلاح فقها

حجاب در اصطلاح فقیهان، معنای محدودتری دارد و مقصود از آن پوشش ویژه‌ای برای زنان است که مانع و بازدارنده‌ی نگاه نامحرمان به او و یا مانع انگیزش تمایل جنسی مردان باشد. این معنا از بررسی آیات قرآن و روایات اهل بیت بدست آمده است. فقها در تعریف حجاب گفته‌اند: حجاب لباسی است که زن برای حفظ عورت از اجانب می‌پوشد (محمدعلی انصاری / الموسوعه الفقهیه المیسره). در کتب فقیهان مسلمان حدود پوشش زن یا همان حجاب چنین تعیین شده است: «زن باید بدن و موی خود را از مرد نامحرم بیوشاند، بلکه احتیاط واجب آن است که بدن و موی خود را از پسری هم که بالغ نشده ولی خوب و بد را می‌فهمد و به حدی رسیده که مورد نظر شهوانی است، بیوشاند» (امام خمینی / توضیح المسائل).

اما نکته‌ای که هنگام جستجوی واژه حجاب در آثار فقها به چشم می‌خورد آن است که فقها از لفظ حجاب استفاده نکرده‌اند، بلکه بیشتر واژه «ستر» را به کار برده‌اند و احکام آن را ذیل مباحث دیگر عنوان کرده‌اند. مثلاً بعضی در مبحث نحوه پوشش هنگام نماز، از پوشش زن نزد نامحرم هم سخن گفته و حد آن را تعیین کرده‌اند. بعضی دیگر در احکام نکاح و ذیل عنوان «احکام نگاه کردن» حدود پوشش زنان را مطرح کرده‌اند.

#### ۲-۲-۳. آثار و فواید حجاب

حجاب و پوشش دارای آثار و فواید زیادی در ابعاد مختلف است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

الف - بعد فردی: یکی از فواید و آثار مهم حجاب در بعد فردی، ایجاد آرامش روانی بین افراد جامعه است که یکی از عوامل ایجاد آن عدم تهییج و تحرک جنسی است که در مقابل، فقدان

حجاب و آزادی معاشرت‌های بی‌بند و بار میان زن و مرد به هیجان‌ها و التهاب‌های جنسی افزونی می‌بخشد.

ب - بعد خانوادگی: از فواید مهم حجاب در بعد خانوادگی، اختصاص یافتن لذت‌های جنسی به محیط خانواده و از طریق ازدواج مشروع است که باعث پیوند و اتصال قوی‌تر زن و شوهر و در نتیجه استحکام بیشتر کانون خانواده می‌گردد و برعکس، فقدان حجاب باعث انهدام خانواده است.

ج - بعد اجتماعی: از دیگر فواید حجاب که در بعد اجتماعی مطرح است حفظ و استیفای نیروی کار در سطح جامعه است، در مقابل بی‌حجابی و بدحجابی باعث کشاندن لذت‌های جنسی از محیط خانواده به اجتماع و در نتیجه تضعیف نیروی کار افراد جامعه می‌گردد.

د - بعد اقتصادی: استفاده از حجاب و پوشش به دلیل سادگی و ایجاد یکدستی در پوشش بانوان در بیرون منزل، می‌تواند از بعد اقتصادی نیز تأثیر در کاهش تقاضاهای مد پرستی بانوان داشته باشد.

### ۳-۳. دین حداقلی

براساس این دیدگاه، گستره‌ی دین، در امور اجتماعی، سیاسی، اخلاقی و فقهی به حداقل تحویل داده شده، و شرع در این موارد حداقل لازم را به ما آموخته است. در واقع، «بینش اقلی»، خود را در امور آخرتی محدود و منحصر کرده و در امور دنیایی هم به حداقل لازم، بسنده کرده است. یکی از مهم‌ترین نظریه‌پردازان دیدگاه حداقلی می‌گوید: «بینش اقلی یا انتظار اقلی» از دین... معتقد است شرع در این موارد (یعنی مواردی که داخل در دایره رسالت شرع است) حداقل لازم را به ما آموخته است؛ نه بیش از آن را» (سروش، ۱۳۷۸: ۸۴).

از نظر قائلان به نظریه دین حداقلی، روشن فکر دینی باید با نگاه تقلیل‌گرایانه به دین بنگرد و آن را فاقد عنصر جامعیت و جاودانگی بداند. اینان قلمرو دین را هم به لحاظ گستردگی شمول آن در همه امور زندگی (این جهان و آن جهان)، هم به لحاظ عمومیت آن برای سایر افراد و جوامع و هم به لحاظ برد و کشش زمانی آن تا روز قیامت، تضییق و تحدید می‌کنند بنابراین، دین در نگاه این دسته از نواندیشان تک‌بعدی و دنیا‌گریز است و انتظار بشر از دین هم در محدوده همین امور (امور آخرتی و فردی) معنا می‌یابد.

از نظر بازرگان، دین فقط می‌تواند اصول و اهداف یا چارچوب ارائه دهد. هدف اصلی ادیان توحیدی، نه آبادسازی دنیا، بلکه برقراری ارتباط انسان با خدا و آماده‌سازی انسان برای حیات اخروی است.

### ۳-۴. دین حد وسطی

در دین حد وسط هدایت فرد + جنبه مادی زندگی فرد + دستورالعمل ارتباط انسان‌ها با سایر انسان‌ها می‌باشد، اما برای الگوی اداره جامعه و تاثیرگذاری در تولید علم و تمدن‌سازی برنامه‌ای ندارد. به دو دلیل قبول نداشتن قسمت دوم توجیه می‌شود: اول، عدم دخالت دین در این قلمرو، مضر به هدایت و سعادت افراد نمی‌باشد چون عقل مستقلاً قدرت تشخیص دارد و شرع هم این محدوده را به عقل واگذار کرده‌است. دوم، بیان می‌کند که دین دو منبع «نقل» و «عقل» دارد. در واقع بیان می‌کند دین، علاوه بر کتاب و سنت، دستاورد عقل هم می‌باشد.

### ۳-۵. دین حداکثری

دیدگاهی که در مقابل دیدگاه آخرت‌گرا و دنیاگرا قرار دارد، «دیدگاه جامع‌نگر» است. دیدگاه جامع‌نگر در تفسیر جهت‌گیری دعوت انبیا بر این باور است که تعالیم پیامبران، همه شئون حیات بشر، اعم از زندگی دنیوی و اخروی را شامل است و پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله به دلیل خاتمیت، پیامی جامع و کامل برای بشر آورده‌است. تصویر غالب دانشمندان جامع‌نگر، از جامع و کامل بودن پیام رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله این است که خداوند نه حداقل، بلکه حداکثر آنچه را که در مورد حاجت بشر است بر وی ارزانی داشته‌است؛ دین اسلام به همه نیازهای آدمی پاسخ‌گوست و هر کس با هر حاجتی به دین روی آورد، بی‌نصیب نخواهد بود.

نقطه مشترکی که طرفداران دیدگاه جامع‌نگر دارند، این است که از نظر اینان دعوت انبیا نسبت به هر دو مقوله دنیا و آخرت ناظر است و همه امور حیات بشری، اعم از زندگی دنیوی و اخروی، مورد خطاب پیامبران بوده و هر دو زمینه حیات آدمی را فرامی‌گیرد.

سید حسین نصر (۱۳۸۲) اسلام را «دین تمام زندگی» می‌داند و می‌گوید: «اسلام، همانا نفس زندگی است... که دربرگیرنده همه جهات و جوانب زندگی انسان است و هیچ امری خارج از حوزه شمول و اطلاق آن نماند» (نصر، ۱۳۸۲: ۲۱ و ۲۲). شهید مطهری هم در کتاب وحی و نبوت، جامعیت و همه‌جانبه اسلام را از امتیازات آن در مقایسه با ادیان دیگر برمی‌شمارد.

### ۴. عدم دخالت دین در فرهنگ (دین حداقلی)

این دیدگاه معتقد است که جامعه فرهنگ را شکل می‌دهد و فرهنگ هم دین را می‌سازد و دین را یک پدیده و محصول اجتماعی قلمداد می‌کند. معتقدان این نظریه در جامعه دینی ایران، در دین

شناسی معتقد به دین فردی و حداقلی (دینی که صرفاً هدایت بشر در امور معنوی را بر عهده دارد) و در فرهنگ شناسی گرایش تکثرگرایی توده‌ای یا لیبرالیسم دارند.

#### ۴-۱. تأثیر «سکولاریزم» (دین زدائی) بر مسأله پوشش بانوان

در سده‌های اخیر ریشه دواندن سه اعتقاد اساسی یعنی «لیبرالیسم» (آزادی بی قید و بند)، «اومانیسزم» (انسان محوری) و «سکولاریزم» (دین زدائی) تأثیر شگرفی در عرصه‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی گذاشته است که مسأله پوشش بانوان و نوع تعاملات اجتماعی آنان یکی از مهم‌ترین آنها به حساب می‌آید. جالب است که بدانیم مسأله حجاب نه تنها در میان مسلمانان بلکه در میان سایر ادیان و مذاهب از شرق تا غرب عالم، به‌عنوان مسأله‌ای پذیرفته شده و متداول بوده است. چنانکه برخی از اندیشمندان، تاریخ حجاب و پوشش زن را به دوران ما قبل از تاریخ و عصر حجر نسبت می‌دهند.

سکولاریزم به مفهوم جدایی دین از نظام سیاسی و اجتماعی و فرهنگی جامعه می‌باشد و جامعه سکولار به جامعه‌ای اطلاق می‌شود که دین، تعیین کننده ارزش‌ها، روش‌ها و نظام اجتماعی آنان نبوده و بر ارگان‌های آن حاکم نباشد. بنابراین سکولاریزاسیون به مفهوم سکولار کردن جامعه، صرفاً به هر روندی گفته می‌شود که دین‌زدایی جامعه را در پیش گیرد (غلامعلی حداد عادل، «سکولاریزم و دین داری»، مجله طب و تزکیه، شماره ۱۱ و ۱۰، ص ۱۰۹، ۱۱۲).

باید توجه داشت که عمده ترین دلیل پیدایش چنین بینشی نسبت به دین، وضعیت کلیسا در قرون وسطی بود. پدران روحانی کلیسا، با ترویج خرافات و محتویات آیین تحریف شده مسیحیت، دین را در برابر علم و دانش و رشد و پیشرفت و کمال انسان قرار دادند و در نتیجه جامعه بشری به سوی تعارض میان دین با دانش و پیشرفت سوق پیدا کرد.

بسیار طبیعی بود که پس از پیروزی دانش بر کلیسا، این فکر برای عموم مردم آن سامان پیدا شود که دین، طرفدار جهالت و اوهام است و سازش میان آن دو، به هیچ وجه ممکن نیست؛ از این رو، دین مخالف دانش معرفی گردید، تا جایی که بین دین واقعی-یعنی اسلام- با دین تحریف شده‌ای چون مسیحیت، هیچ تفاوتی قائل نشده، همه را به‌عنوان مخالف و معارض با دانش، معرفی کردند. به همین جهت دین‌زدائی از نظام سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه سرعت روز افزون گرفت و فرهنگ عمومی مردم از بسیاری از آموزه‌های دینی، خواه ریشه دار و صحیح و خواه خرافی و باطل فاصله گرفت.

در این میان پوشش بانوان نیز که به‌عنوان یکی از آموزه‌های مشترک میان تمامی ادیان به حساب می‌آمد، مورد حمله اعتقادی و فرهنگی قرار گرفت و برهنگی و ولنگاری در پوشش جایگزین

حجاب و عفاف گردید. برخی از تحلیل‌گران در این باره می‌نویسند: به‌طور طبیعی تحولات پیش آمده در دوران مدرنیته بر زندگی فردی و اجتماعی زنان و در نتیجه بر الگوهای خانواده تأثیر فراوانی داشته است. چراکه تأکید آموزه‌های مدرنیته بر فردگرایی، مرجعیت‌زدایی، سکولاریسم در کنار ارزش‌های حاکم در اقتصاد جدید که عمدتاً بر مبنای انباشت سرمایه و افزایش تولید شکل می‌گرفت، به تدریج جامعه و زنان غربی را به بازنگری در شیوه‌ها و سبک‌های سنتی زندگی زن غربی ملزم کرد (کرمی، ۱۳۸۷). با این حال جالب است که بدانیم مساله حجاب نه تنها در میان مسلمانان بلکه در میان سایر ادیان و مذاهب، به عنوان مساله‌ای پذیرفته شده و متداول بوده است. چنان‌که برخی از اندیشمندان، تاریخ حجاب و پوشش زن را به دوران ما قبل از تاریخ و عصر حجر نسبت می‌دهند.

#### ۴-۲. نگرش نفی حجاب

با ارتباط مسلمانان با دنیای مدرن، موج فکری شکل یافت که به ضدیت و نفی حجاب پرداخت. این نگرش، گاه از سوی کسانی بود که دیگر دعوی مسلمانی نداشتند و گاه از سوی کسانی بود که در عین مسلمانی، از نفی حجاب سخن می‌گفتند. این دیدگاه، در سابقه فکری - اندیشگی مسلمانان، بی‌عقبه است. هیچ متفکر مسلمان را در حدود ۱۳ قرن نمی‌توان یافت که از چنین دیدگاهی به دفاع برخاسته باشد، یا به آن اشارت و تمایل نشان داده باشد؛ اما در ۱۵۰ سال اخیر، طرفدارانی از هر دو جریان لائیک و مسلمان پیدا کرده و چه در جامعه‌های اسلامی و چه در جامعه ایرانی تکاپوی فراوانی داشته و دارند. برای آشنایی اجمالی با این دیدگاه و نگرش و دیدگاه‌های آن، اشارتی به مهم‌ترین نکته‌های مورد توجه این گروه خواهیم داشت. گرچه پاره‌ای از این استدلال‌ها، به مرور رنگ باخته‌اند؛ اما هنوز بخشی از آن، در فضاهای فکری-روانی جامعه‌های اسلامی و جامعه ایرانی جای دارند:

۱- ریشه حجاب به جامعه‌های پدرسالار اولیه بر می‌گردد که برای دسته‌بندی زنان در حرم‌سراها و خارج از حرم‌سراها به زنان محترم، آزاد، کنیز، برده، فاحشه و... به آن رو آوردند (فمینیسم، دموکراسی و اسلام گرایی، توحیدی/۲۵۱).

۲- حجاب، مانع ترقی زنان در کسب و دانش است. این استدلال، در آثار منورالفکران ضد حجاب مشروطه، فراوان دیده می‌شود. ایرج میرزا، که از مخالفان حجاب است و اشعار تند و تیزی در این زمینه دارد.

۳- حجاب، مانع جلوه جمال زن است و زن را به‌صورت کریهی در می‌آورد. این بیان، بویژه با ادبیات غلیظ شاعرانه مخالفان حجاب، بارها بار، مورد توجه قرار گرفته است. بخشی از عوامل روانی بی‌حجابی، ناشی از این نوع نگاه و نگرش است.

ایرج میرزا، که از او یاد شد، با همین مقصود ناشایست، از حجاب یاد می‌کند:

تو مرآت جمال ذوالجلالی چرا مانند شلغم در جوالی!

۴- حجاب، با کار و اشتغال زنان ناسازگار است و نمی‌توان نیمی از جامعه را از تأثیرگذاری در اشتغال اجتماعی بازداشت.

۵- حجاب، با اصل آزادی انتخاب و مساوات حقوقی میان زنان و مردان ناسازگار است. این استدلال نیز، از استدلال‌های کهن مخالفان حجاب است و در این زمینه در دهه‌های اخیر، فمینیست‌ها بسیار سخن گفته و می‌گویند.

۶- حجاب ریشه‌ای قرآنی - شرعی ندارد. این سخن، از نکاتی است که در صد ساله اخیر، در جامعه‌های اسلامی، بارها مطرح شده است و مدعیان و طرفدارانی داشته و دارد. شاید آغازگر مبسوط این بحث در جامعه‌های اسلامی، قاسم امین بود که با نگارش دو کتاب: «تحریر المرأه و المرأه الجدیده»، به دفاع از این انگاره پرداخت. کتاب‌های او به سرعت به موضوعی مهم و بحث بر انگیز در جهان اهل سنت تبدیل شد. آثار او به سرعت به زبان‌های دیگر راه یافت، از جمله، ابتدا، اعتصام الملک آشتیانی پدر پروین اعتصامی (در ۱۳۱۶ق) کتاب «تحریر المرأه» را با عنوان: تربیت نسوان، ترجمه و چاپ کرد. سپس در دوره رضاخانی و در راستای ترویج منویات او، هر دو اثر توسط سید احمد مهذب، ترجمه و نشر می‌یابند.

این جریان فکری، که تلاش دارد با حفظ دعوی مسلمانی، حجاب را از حوزه احکام مسلم دینی خارج کند، همان گونه که گفته شد دیرینه‌ای یکصد ساله دارد. در پاره‌ای از نوشته‌ها و اشعار منورالفکران ایرانی در صدر مشروطه و دوره‌های پسین، رگه‌هایی از آن را می‌توان دید. گرچه نوع نگرش و ادله یکسان نیستند، اما تمامی آنها این مقصد را می‌پویند که حجاب متداول، ریشه‌ای قرآنی - شرعی ندارد.

## ۵. دین یکی از عوامل فرهنگ سازاست (دین حد وسطی)

در دین‌شناسی اگر دین مربوط به حوزه خصوصی زندگی باشد خصوصاً اگر زبان آن اسطوره‌ای و حق و باطل در آن نسبی باشد، نباید مدعی دکتترین فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و ارائه کننده قوانین و خط مشی‌های هدایت‌گر فرهنگی باشد، یا اگر هم هست به شکل موضعی و جزئی و نه به صورت برنامه جامع و هماهنگ. در حوزه فرهنگ شناسی، اگر به تکثرگرایی توده‌ای قائل شوند حداکثر نقش دین در فرهنگ‌سازی، ایجاد اعتقادات و باورهای محدودی از زندگی معنوی و خصوصی است. این امر تنها می‌تواند مقاومت‌های کم رمق و مقطعی را در مقابل موج فرهنگی رهبران جامعه و ارباب رسانه ایجاد کند اما به تدریج منقلب یا منزوی خواهد شد (پیروزمند، ۱۳۹۳: ۳۳۴ و ۳۳۵).

آداب، سنن، خط، زبان، هنر، تاریخ، جغرافیا... اینها دارند فرهنگ‌سازی می‌کنند. لذا دین عامل فرهنگ‌سازی نیست، بلکه جزئی از فرهنگ‌سازی است و کسانی که قائل به دین حد وسط هستند، در فرهنگ‌شناسی قائل به تکثرگرایی توده‌ای هستند.

## ۵-۱. وضعیت حجاب در جامعه امروز ایران

یکی از دغدغه‌های رهبر انقلاب رحمت‌الله‌عیه در رابطه با آسیب‌های اجتماعی، پرداخت به موضوع حجاب در جامعه است. این روزها نیز صحبت‌های زیاد و متفاوتی درباره‌ی وضعیت حجاب در ایران مطرح می‌شود که برخی از آن‌ها به صورت افراط‌گونه‌ای صورت حجاب در جامعه را کم‌رنگ و مخدوش توصیف می‌کند. در فرهنگی اسلامی معنویت، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، این فرهنگ انسان را فقط جسم نمی‌داند؛ با این حال می‌بینیم که جامعه اکنون ما گرایش به بی‌حجابی و فرهنگ غرب دارد و هر مودی که از طرف غرب ارائه شود را تن پوش خود قرار می‌دهد. برای ریشه‌یابی باید به چند دهه قبل و زمان حکومت پهلوی برگردیم. آن زمان که فرهنگ غرب در کشور ما رواج پیدا کرد به دستور رضاخان بی‌حجابی قانون کشور شد، فقط در جامعه زنان بی‌حجاب با الگوی غربی حضور داشتند، اما زنان معتقد و با ایمان که حاضر نبودند پوشش خود را عوض کنند در خانه محبوس بودند بنابراین الگوی جوانان ما همان زنان حاضر شده در جامعه بودند و عفت و حیا و پوشش اسلامی در خانه‌ها حبس شده بود. در واقع قرن حاضر کشور ما با بی‌حجابی و فرهنگ برهنگی آغاز شد.

دیگر اینکه افرادی که تمایل به غرب و فرهنگ غربی داشتند تمام سعی خود را کردند که بازار ما، فرهنگ ما، مغازه‌های پوشاک ما، واردات ما، همه غربی شود و شد. تهاجم فرهنگی غرب حدیث تکراری اما بی‌ثمر سال‌های پس از انقلاب است. از حیث تبلیغی، اینکه «ما چقدر در نظام توانستیم جامعه‌مان را به سمت حجاب تشویق کنیم؟ چقدر توانستیم جذابیت حجاب و حکمت‌های حجاب را برای جوان‌هایمان تبیین کنیم؟ چقدر توانستیم خواستگاه حجاب را تقویت کنیم؟ و...» نمره‌ی خوبی به نظام نمی‌دهیم؛ دلیلش هم این است که کلاً مجموعه‌های دولتی ما متفاوت عمل می‌کنند، بعضی اصلاً دغدغه این موضوعات را ندارند، بعضی با سلیقه‌ی شخصی و اجتهاد شخصی خودشان عمل می‌کنند و نوعاً در موضوعات فرهنگی همه صاحب‌نظر هستند و کسی به این مهم قائل نیست که باید بر اساس مبانی واحد و سیاست‌گذاری واحد عمل بشود. در کنار این عوامل بی‌توجهی به نسل جوان و خواسته‌ها و آرزوهای او در سالیان گذشته باعث ایجاد نوعی گسست در میان نسل اول انقلاب با نسل‌های بعدی گردید که به‌نوعی بحران هویت در نسل منجر گردید.

از طرف دیگر عدم خلاقیت و نوآوری در طراحی الگوهای نوین و مطابق با مقتضیات روز، عدم پشتیبانی مادی و معنوی از تولیدکنندگان و واردکنندگان پوشش‌های اسلامی، و در یک کلام عدم

برنامه‌ریزی منسجم، خلاق و همه جانبه باعث شده تا نتوانیم در مقابل فرهنگ غرب بایستیم و همان‌طور که آنان هرروز به ما مد و الگو ارائه می‌دهند، ما هم همین کار را لااقل برای جامعه‌ی خود بکنیم. شیوه‌ی اداره‌ی جامعه هم به نحوی نیست که اگر مسئول یا مدیری از برنامه و سیاست واحد جامعه تخطی کند، مورد بازخواست قرار بگیرد. لذا به خودش حق می‌دهد که بر اساس نظرات شخصی، هر گونه اظهارنظری بکند؛ آن هم نظراتی که بعضاً فکر می‌کند جماعتی را به سمت خودش بکشد. این مسائل باعث شده که نظام دولتی در این زمینه موفق نباشد، برنامه‌ی منظم و مشخصی نداشته باشد، یا اگر هم داشته باشد، به آن عمل نکند (معلمی، ۱۳۸۳).

## ۵-۲. دوران سازندگی و حاکمیت تفکر توسعه تأثیر منفی بر مسئله حجاب

### گذاشته است

این حرف درستی است. به این علت که تغییر ارزش‌ها پیدا شد. زمان جنگ برای افراد جامعه افتخارات دیگری بود. افتخار به این می‌شد که من مسلمان‌تر هستم. البته نه از روی ریا بلکه بر اساس ارزش‌ها. بعد از آن دوران، برنامه توسعه اقتصادی جمهوری اسلامی مطرح شد و برخی در اسم برنامه اشکال کردند که جمهوری اسلامی در اقتصاد خلاصه نمی‌شود و اسم آن را به برنامه توسعه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی تغییر دادند اما محتوا را حفظ کردند. نکته‌ای که در اینجا مهم است این است که آن برنامه دقیقاً الگو گرفته از برنامه‌های توسعه سایر کشورها بود و اقتصاد در آن برنامه اصل بود که اولین و بزرگ‌ترین دسته‌بندی آن عبارتست از: کشاورزی، صنعت و خدمات که فرهنگ جزو خدمات محسوب می‌شد و برای مکانیزه شدن کشاورزی و صنعت، آموزش به‌عنوان خدمات برای توسعه برنامه‌ریزی شد. البته نیازهای مادی رد نمی‌شود ولی بحث بر سر محور بودن آن است و محورها و ارزش‌های جامعه اسلامی عوض شد.

وقتی ارزش‌ها و محورها عوض شد الگوی حجاب هم که از ارزش‌های جامعه اسلامی است عوض می‌شود. در این تفکر، توسعه یافته؛ کشورهای اروپایی هستند و توسعه نیافته را کشور خودمان می‌انگارد و برخی هم می‌گویند ژاپن اسلامی و فکر می‌کنند برای پیاده کردن برنامه توسعه غربی در جامعه می‌شود اخلاق اسلامی را حفظ کرد. در صورتی که قالب باید با محتوا هماهنگ باشد محتوا را نیز با خود می‌آورد. تفکر توسعه، شعارهای انقلاب و وصایای شهدا را از دیوار و اتوبوس‌ها برداشت و به جای آن توجه به مادیات و مواد مصرفی را تبلیغ کرد و این زیباسازی شهر شد.

## ۶. دین، محور و منشا فرهنگ سازی است

اگر در دین شناسی دین را ابزار سرپرستی تکامل بشر در همه شئون فردی، اجتماعی و تاریخی بدانیم که طریق آن، جریان ولایت الهی در باورهای ارزش‌ها و رفتارهای اهل ایمان باشد و در فرهنگ شناسی نیز، فرهنگ را پذیرش‌های هنجاریافته‌ای بدانیم که نسبت به باورها، ارزش‌ها، رفتارها و نمادها شکل می‌گیرد و آن را پدیده‌ای اجتماعی و دارای سطوح بدانیم که پیدایش و تغییرات و حیات و مرگ دارد و پیدایش و تغییرات آن نیز تابع میزان توفیق در مدیریت اراده‌هاست آنگاه در نسبت بین دین و فرهنگ، به راحتی محوریت دین را در فرهنگ‌سازی خواهیم پذیرفت.

فرهنگ ایجاد پذیرش در عرصه‌هایی است که دین عهده‌دار سرپرستی آن است. نهایت این است که فرهنگ در بستر زندگی واقعی مردم شکل می‌گیرد. موضوعات و محصولات، دانش‌ها، ابزارها و روش‌های نوینی خلق شده و مواردی کهنه و میرا می‌شود. این امر نه تنها مانع از محوریت یافتن دین نیست، بلکه ضرورت آن را دو چندان می‌کند. محوریت دین ضرورت دارد چون تغییرات فرهنگ بدون آن، محور ثبات و معیار تعالی داده و در گرداب نفسانیات بشر غرق می‌شود و این محوریت امکان دارد؛ چون دین اسلام برنامه جامع و کامل سعادت بشر در طول تاریخ است و آنچه بشر در طول تاریخ بدان دست‌یابد ذیل آموزه‌های اسلام قابل عیارسنجی است (پیروزمند، ۱۳۹۳: ۳۳۵).

در این دیدگاه محور اساسی و اصلی در ایجاد فرهنگ دین است. دین هسته و مرکز و جهت دهنده به سایر عوامل فرهنگ‌ساز است. دین مشتمل بر نظام‌ها، باورها، ارزش‌ها و رفتارهایی است که به سایر عوامل فرهنگ جهت و هویت می‌دهد. معتقدان به این نظریه در دین شناسی معتقد به دین حداکثری، یعنی قابل به این هستند که دین علاوه بر قلمرو هدایت فردی و ایجاد ارتباط بین انسان‌ها در حوزه تمدن‌سازی و جامعه‌پردازی نیز دارای نقش و کارکرد اصلی است؛ و در فرهنگ‌شناسی تکامل‌گرایی تقومی هستند.

### ۶-۱. شاخص‌ها و ابعاد حجاب قرآنی

حجاب در قرآن مجید در سوره‌های نور و احزاب به صراحت و وضوح تبیین شده است. در این آیات شریفه حدود حجاب، آثار و کارکردهای آن بیان گردیده است؛ در حقیقت، حجاب زن مسلمان به فتوای همه مراجع معروف تقلید در این زمان یکی از ضروریات دین است (یزدی، ۱۳۷۰: ۶۲۷). لزوم پوشیدگی زن براساس شش دلیل قطعی قابل اثبات است که هر یک به تنهایی برای اثبات ضرورت حجاب کافی است:

۱- قرآن کریم؛ ۲- روایات شریفه؛ ۳- سیره اهل بیت علیهم السلام؛ ۴- براهین عقلی؛ ۵- فطرت و طبیعت انسانی؛ ۶- تاریخ.

براساس آیات و روایات، حجاب مورد نظر دین مبین اسلام یک‌بعدی نبوده، بلکه همه ابعاد و جوانب شخصیتی زن مسلمان را مدنظر قرار می‌دهد. در ذیل به بررسی دو بعد از این ابعاد شش‌گانه می‌پردازیم:

#### ۶-۱-۱. حجاب فیزیکی بدن

این بعد همان محوری است که توجه اکثریت قریب به اتفاق اندیشمندان، علما، فقها و روشنفکران را جلب نموده است. برخی افراد به اشتباه این بخش از حجاب را تمام حجاب دانسته‌اند؛ به بیانی دیگر حجاب را مساوی با پوشش فیزیکی بدن می‌دانند در حالی که این بخش از حجاب نه تمام حجاب است و نه مهم‌ترین بخش آن، بلکه صرفاً محسوس‌ترین و ملموس‌ترین بعد آن می‌باشد. در آیات شریفه قرآن کریم (سوره نور و سوره احزاب) به این بعد از حجاب تأکید ویژه شده و ظرافت پوششی مورد دقت قرار گرفته است. قرآن کریم از دو بخش حجاب و یا از دو نوع حجاب و شیوه پوشش زن سخن به میان آورده است: «خمار» (حجاب حداقلی) و «جلیباب» (حجاب حداکثری).

#### ۶-۱-۱-۶. حجاب حداقلی

از خمار در آیه ۳۱ سوره نور سخن گفته شده: «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ» خمارهای خود را بر گریبان‌های خویش بیفکنید. این بخش از آیه شریفه هم وجوب پوشش را بیان می‌کند و هم حدود آن را. خمر جمع خمار است و در لغت آمده است: «الخمار ثوب تغطي به المرأة راسها»؛ خمار لباسی است که زن سر خود را با آن می‌پوشاند (مساله حجاب، مطهری، مرتضی: ۱، ۱۷۳). آنچه می‌تواند به این فرمان الهی جامه عمل بپوشاند، مقنعه یا روسری بلندی است که علاوه بر پوشش کامل سر بر روی گردن و سینه افتد (اکبری، ۱۳۷۷: ۳۸).

براساس آیه شریفه، این پوشش سر هرچه که هست، اعم از شال، روسری یا مقنعه، باید مو، سینه، دور گردن و زیر گلوئی زن را بپوشاند. شاید به همین دلیل برخی از مفسران خمار را به معنای روسری نگرفته‌اند، بلکه به معنای مقنعه لحاظ کرده‌اند؛ البته به نظر می‌رسد لفظ خمار منحصر به روسری یا مقنعه صرف نیست، بلکه با توجه به تعیین حد پوشش در آیه شریفه، تأکید بر نحوه صحیح پوشش و به قولی استاندارد کردن آن است استاد مطهری نیز قائل به همین نظر می‌باشد «البته روسری خصوصیتی ندارد؛ مقصود پوشیدن سر و گردن و گریبان است» (مطهری، ۱۳۵۳: ۱۵۳).

## ۶-۱-۱-۲. حجاب حداکثری

حجاب حداکثری یا همان جلباب است که در سوره احزاب بدان تصریح شده است: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» (احزاب: ۵۹)؛ ای پیامبر! به زنان و دخترانت و زنان مؤمن بگو؛ جلباب‌های خود را به هم نزدیک سازند تا با این پوشش بهتر شناخته شوند و از تعرض (هوسرانان) آزار نبینند و خداوند بخشنده و مهربان است. این آیه شریفه پس از آیات حجاب در سوره نور، نازل شده است. آنچه در این جا مورد بحث می‌باشد معنای لغت «جلباب» است. جلباب دارای معانی مختلفی است:

۱-چادر: همانند چادر زنان ایرانی و عباي زنان عرب

۲-ملحفه: هم‌مانند چادر زنان شمال ایران

۳-خماری: که سر و صورت را می‌پوشاند و بلندتر از مقنعه‌های معمولی و کوچک‌تر از چادر است؛ مانند چادر زنان افغانی و یا به گفته‌ی راغب لباس دو قسمتی (پیراهن و روسری) است و یا به گفته‌ی صاحب مجمع‌البیان روسری است که زن وقت خروج از منزل سر و صورتش را با آن می‌پوشاند؛ همانند پوشش برخی از زنان سوری که مرکب از مانتو، روسری و پوشیه است.

اثر اجتماعی پوشش جلباب اختصاصاً در این آیه شریفه ذکر شده است، درحالی که این وجه برای پوشش خماری بیان نشده: «ذلک ادنی ایوب رخنه فالای و زین»؛ این پوشش جلباب نزدیک‌ترین چیزی است که به وسیله آن ایمان و عفاف تعیین می‌یابد و به این وسیله زنان مؤمن و عقیف بهتر شناخته می‌شوند تا از تعرض هوسرانان آزار نبینند؛ از همین رو ارازل و اوباش مجبور می‌شوند حساب این زنان متین و پوشیده را از زنانی که با جلوه‌گری و آشکار کردن زینت‌ها سعی در آلودگی جامعه دارند جدا نمایند. درواقع، جوانان فاسد هرگز زنی را که بدنش را به‌طور کامل از نامحرم پوشانده است با زنی که به انحای مختلف به بدحجابی مبتلاست یا موهای سرش را در معرض نگاه آلوده‌ی آنان قرار می‌دهد برابر نمی‌دانند؛ از این رو به دنبال زنان و دخترانی حرکت می‌کنند که با نگاه کردن، خندیدن، آرایش کردن یا نحوه راه رفتن، حرف زدن و لباس پوشیدن مردان نامحرم را به باتلاق هوس دعوت می‌کنند.

## ۶-۱-۲. رنگ حجاب قرآنی

در مورد رنگ حجاب زنان مسلمان دو نظریه وجود دارد:

نظریه اول: آنکه اسلام رنگ خاصی را برای پوشش بانوان تعیین نکرده است (اکبری، ۱۳۷۷: ۶۸) و بر اساس، استفاده نمودن از تمامی رنگ‌ها بلامانع خواهد بود؛ البته مشروط بر این که با سایر شاخص‌های اختصاصی حجاب قرآنی و شاخص‌های عمومی پوشاک در اسلام تعارضی نداشته باشد.

در مبنای شاخص‌های عمومی پوشاک، استفاده نمودن از لباس جنس مخالف، لباس شهرت و لباس مهیج حرام است و براساس شاخص‌های حجاب قرآنی، استفاده نمودن زن از پوششی که موجب جلب توجه نامحرم و به جلوه درآوردن زیبایی‌های زنانه او باشد نیز حرام است بر این اساس، چنانچه استفاده کردن از برخی رنگ‌ها در جامعه‌ای به‌عنوان رنگ مهیج تعریف شود، یا به‌عنوان رنگ غیرمعتارف و غیرمرسوم تلقی گردد، به‌خودی‌خود عنوان لباس مهیج و لباس شهرت را گرفته و حکم حرمت را می‌یابد.

نظریه دوم: این که گرچه در آیات شریفه حجاب سخنی از رنگ پوشش نیست، ولی سیره اهل بیت علیهم‌السلام رنگ مشکی را تأیید و تصریح می‌کند. بر این اساس، رنگ مشکی رنگ منتخب و مورد تأیید و تاکید عترت یا همان ثقل کبیر است.

## ۶-۲. گفتمان حجاب حداکثری، مؤلفه‌ها و دیدگاه‌ها

دیدگاه حجاب حداکثری، از گفتمان‌های رایج و دیرینه در مقوله حجاب است. این دیدگاه، در جهان اسلام و ایران، طرفداران جدی داشته و دارد. گرچه موج مدرنیسم آن را می‌کوبد و تلاش می‌کند آن را ویران سازد، اما هم‌چنان پا برجاست و در قالب‌های گوناگون خود را می‌نماید. مؤلفه‌های گوناگون در این گفتمان مطرح هستند. در این میان، به مهم‌ترین آنها اشاره می‌کنیم:

**حجاب کامل بدن:** در قلمرو پوشش بدن، این دیدگاه معتقد به وجوب حجاب تمامی بدن، حتی چهره و دستان است. از این رو، در مراودات زنان با مردان نامحرم، وجود نقاب، یا برقع و یا آن چه صورت را بپوشاند، الزامی و واجب می‌داند. در این میان دانشمندان شیعی، بزرگانی چونان: ابوزهره، ابن حمزه، فاضل مقداد، صاحب جواهر و... و در میان معاصران: مراجعی چونان، آیات عظام: بهجت، گلپایگانی، صافی گلپایگانی و... به این نظریه، یا به صورت جازم و یا به‌عنوان احتیاط واجب معتقدند (صالحی، ۱۳۹۱). این نظریه، در میان نویسندگان در مقوله حجاب، در اواخر مشروطه و دهه‌های نخستین قرن چهاردهم، دیدگاه شایع و مطرحی بوده است.

**نگاه مردان و زنان:** دیدگاه حداکثری، قلمروی حرمت نگاه را نیز حداکثری می‌داند. در این دیدگاه، نگاه مرد به زن (حتی به‌صورت و دستان او) جز در موارد خاص، مجاز نیست. هم‌چنین نگاه زن به مرد (حتی بخش‌هایی که به‌طور معمول پوشیده نمی‌شوند) روا نمی‌باشد. این دیدگاه در فتاوی بزرگانی چونان: علامه حلی (تذکره، ج ۵۷۳/۲؛ شرح ارشاد) و نیز شماری از مراجع معاصر دیده می‌شود. این نظریه در میان شماری از اهل سنت نیز مطرح است: حنبلیان، ابن تیمیه و... (مغنی، ابن قدامه، ج ۵۵۸/۶؛ فتاوی ابن تیمیه ج ۲۵۳/۱).

**صدای زن:** آیا شنیدن صدای زنان برای مردان، حرام است. این دیدگاه، در پاره‌ای از انظار فقهی وجود دارد (شرایح الاسلام، ج ۲/۲۶۹). در رساله: در وجوب حجاب، (تالیف فخرالاسلام در ۱۲۹۰ش) نوشته شده است صدای زن هم عورت است و حرف زدن او با اجانب قبیح و غیر جایز است. در صورتی که حرف زدن در کلیسا که محل عبادت است، جایز نباشد، در بازار که مجمع شیاطین است، به طریق اولی جایز نخواهد بود (رسائل حجابیه، ج ۱/۷۷).

**خانه نشینی:** در این نگرش، مطلوب فقهی - اخلاقی برای زنان، خانه نشینی است. هر قدر زنان از خانه بیرون نروند، مطلوب‌تر و به نظام فقهی - اخلاقی اسلام نزدیک‌تر است. در این زمینه، موارد نقل بسیاریند، از جمله: «چندان شارع در صیانت و حفظ زنان کوشیده است که حتی با چادر و حجاب هم هرگاه از خانه بیرون روند، کراهت دارد و نشستن در کنج خانه را برای زن ترجیح داده است» (همان، ج ۲/۸۲۷، رساله: احسن الحکایات، فی حجاب السافرات، ابوالفضل خراسانی). و یا شیخ محمود حلبی، در سخنرانی که مکتوب شده است، می‌گوید: «چون بیرون آمدن شما از محیط خانه و تماس گرفتن تان با مردان بیگانه، خطر هرچایی شدن و دل به این و آن دادن دارد، لذا محیط خانه را به دور شما حصار نمود» (رساله حجاب در اسلام، ج ۱۰/۹۵).

**اشتغال بیرونی:** نگرش حجاب حداکثری، با کار زنان در محیط بیرونی مخالف است و آن را زمینه فساد و نیز عدم اجرای تعهدات و وظایف زنانگی می‌شمارد. غلامحسین اصفهانی حایری در کتاب فلسفه الحجاب فی وجوب النقاب، می‌نویسد «کسب و تجارت مردان و واگذاری امور داخلی به زنان، به ادله مختلف، ترجیح دارد و از جمله این که در علم سیاست، مقرر است که دو شغل مختلف - که تفاوت نوعیه دارند - را به یک فرد نباید واگذار کرد. مخصوصاً اگر هر دو شغل خطیر و با اهمیت باشند. و نیز آن که کار بیرونی، طراوت و ویژگی‌های زنانگی زن را از بین می‌برد» (رسائل حجابیه، ج ۱/۴۷۲). حتی در زمینه کار اداری زنان، کسانی چونان خالصی‌زاده، که دیدگاه‌های معتدل‌تری در رساله حقیقت حجاب در اسلام ارائه می‌کند، قاطعانه اظهار نظر می‌کند که زنان را مطلقاً از دوایر دولتی برکنار کنند (رسائل حجابیه ج ۲/۷۳۲).

به نظر می‌رسد در هم آمیختگی میان گفتمان‌های حجاب، موجب شده است که گاه پاره‌ای از نویسندگان، و عاذا، خطیبان جمعه و... که بایستی از پایگاه گفتمان سوم سخن بگویند - که در ادامه از آن سخن خواهیم گفت - با منطق و ادبیات گفتمان دوم، با موضوع حجاب برخورد می‌کنند. این نکته نیازمند شرح بیش‌تری است که به آن خواهیم پرداخت.

### ۳-۶. ترکیب حجاب و حیات فعال اجتماعی

حجاب زنان و مسائل اقماری آن، از چالش‌های عمده جهان اسلام در سده معاصر است. در این قرن، سه گفتمان در میان مسلمانان وجود داشته و دارد:

گفتمان اول «نفی حجاب»: این دیدگاه در میان ملیت‌ها و مذاهب گوناگون مسلمانان، مطرح است. هر چند پاره‌ای از حجاب ستیزان یا حجاب‌گریزان، از دعوی مسلمانان روی گردانیده‌اند؛ اما در میان آنان باورمندان نیز اندک نیستند.

گفتمان دوم «حجاب حداکثری»: این دیدگاه، سابقه‌ای دیرین در حیات اجتماعی - فکری مسلمانان داشته و یک طیف متنوع را تشکیل می‌دهد و مؤلفه‌های آن محورهایی است، چون: ترجیح یا لزوم خانه‌نشینی زن، حجاب کامل بدن، حتی دست و صورت، حرمت مطلق نگاه زن و مرد، نفی اشتغال بیرونی زن، تفسیر حداکثری حرمت، حرمت اختلاط زن و مرد، حرمت صدای زن و ...

گفتمان سوم «ترکیب حجاب و حیات فعال اجتماعی»: این گفتمان، ضمن تأکید بر دو اصل مهم شرعی و عقلانی، حجاب و عفت زن و نیز نقش مهم زن در نهاد خانواده، مولفه‌های زیر را نیز باور دارد:

**محدوده پوشش:** واجب نبودن پوشش صورت و دستان، سابقه‌ای دیرین در میان فقیهان مسلمان و شیعه دارد و اکنون کم و بیش، فتوای اکثر مراجع معاصر است. اما رویه عرفی و دینی در میان جوامع متدین شهری و یا شبه شهری موجب بود که در سده قبل و اوائل قرن اخیر، عرف دینی بر پوشش صورت و دست باشد. به گونه‌ای که پاره‌ای از کتاب‌ها و مقاله‌ها، که در زمینه واجب نبودن پوشش صورت و دست نگاشته شد و نشر یافت، با مخالفت‌ها و نقدهای تند، روبه رو گردید. در این زمینه، تنها به دو مورد اشاره می‌شود:

مورد اول: رساله حقیقت حجاب در اسلام، از نویسنده نامور: محمد خالصی‌زاده، ضمن تأکید بر اصل حجاب و پاسخ شبهه آفرینان، به استدلال‌های عقلی و نقلی در مورد عدم وجوب حجاب صورت و دست می‌پردازد. این ادعا، با مخالفت‌های تند و جنجال آفرین مواجه می‌شود.

مورد دوم: کتاب مسأله حجاب، اثر شهید مطهری است. شهید مطهری، در این کتاب، بحث مبسوطی را در این زمینه دارد و اشارت به این نکته می‌کند که این موضوع، تأثیر مهمی در فعالیت‌های اجتماعی زنان، چنان: راندگی، فروشندگی، کار اداری، تعلیم و تعلم و... دارد. گویا این آثار مهم، موجب آن بود که استاد شهید، تقریباً بخش گسترده‌ای از کتاب را (از صفحه ۱۲۴ تا پایان کتاب) به بررسی این مسأله فقهی اختصاص دهد.

**نوع پوشش:** در گفتمان سوم، تأکید بر اصل حجاب است و نه فرم حجاب. در گفتمان دوم، تأکید بر قالب‌های سنتی حجاب است که از سابقه و دیرینه‌ای در عرف متدینان برخوردار و کارآمدی خود را در حجاب نشان داده است.

اما گفتمان سوم، چندان به «فرم» و قالب موجود، بها نمی‌دهد و یا حداکثر آن را یک اولویت می‌شمرد. امام خمینی رحمته‌الله‌علیه در مورخه ۵۷/۱۰/۷ به روشنی یادآور می‌شود «در اسلام زن باید حجاب داشته باشد، ولی لازم نیست که چادر داشته باشد، بلکه زن می‌تواند هر لباسی که حجابش را به وجود آورد، اختیار کند».

**نفی تفسیر حداکثری از اختلاط:** یادآور شدیم که گفتمان دوم، اختلاط زن و مرد را، با تفسیری حداکثری تعریف می‌کند و حداقل مروده و ارتباط را تکلیف الزامی و یا شبه الزامی می‌داند؛ با همین نگرش، رویکرد تفکیک جنسیتی را در همه موضوعات و مصادیق، تعقیب می‌کند. اما گفتمان سوم، چنین باوری ندارد. اختلاط را با «صبغه جنسی» نفی می‌کند؛ اما روابط علمی و همکاری‌های شغلی که این چنین شائبه‌ای را نداشته باشند، نفی نمی‌کند. مقام معظم رهبری رحمته‌الله‌علیه در تبیین و تفسیر اختلاط، تعبیرهایی دارد، به این شرح «این به معنای عدم ورود یکی از دو جنس در محل حضور در جنس دیگر نیست؛ به معنای عدم تماس اینها با هم نیست؛ به معنای عدم همکاری اینها با هم نیست، بلکه به معنای خاصی است... هر چیزی که فتنه جنسی ایجاد کند» (آئینه زن، ۲۳۷، در دیدار با گروه انطباق پزشکی ۱۶/۸/۷۴).

**مخالفت با خانه نشینی زنان:** در گفتمان سوم، حجاب حد و مرزی در پوشش است و نه به معنای لزوم، یا حتی برتری خانه نشینی زن. شهید مطهری، به روشنی، یادآور می‌شود «این که زن فقط و فقط باید در کنج خانه محبوس بماند و حتی با حفظ حریم و عفاف هم از علم و هم از هر کمال الزاماً باید محفوظ بماند و کاری جز اطفاء شهوت مرد و خدمتکاری او ندارد... علاوه بر این که با اسلام جور در نمی‌آید، بر ضد عواطف انسانی است» (پاسخ‌های استاد به نقدهایی بر مسأله حجاب/۶۶). حضرت امام خمینی رحمته‌الله‌علیه نیز در موضع‌گیری صریحی می‌گوید «این تبلیغات، که اگر اسلام پیدا شد دیگر زن‌ها باید بروند توی خانه بنشینند و قفلی هم بزنند که بیرون نیایند؛ این چه حرف غلطی است که به اسلام نسبت می‌دهند» (جایگاه زن در اندیشه امام خمینی/۵۷/۲۰/۹/۲۰۶).

**مشاغل اجتماعی:** گفتمان سوم، ضمن تأکید بر اصولی چونان رعایت حجاب، اصل عفت در روابط و اهتمام به نهاد خانواده، تقریباً خط قرمزی را در مشاغل اجتماعی برای زنان نمی‌شناسد. جالب این که امام خمینی رحمته‌الله‌علیه به روشنی می‌گوید «زنان همان‌طور که قبلاً گفتیم، می‌توانند در ارتش باشند» (مجموعه مقالات کنگره تأملی بر جایگاه زن، ج ۱/۱۳۲). و نیز این خاطره از خانم مرضیه دباغ جالب می‌نماید که می‌گوید «در ملاقات با ایشان در نجف از ایشان خواستم که به لبنان بروم و در کنار برادران و خواهران لبنانی با اسرائیل بجنگم؛ ایشان فرمودند: این یک تکلیف

است» (مجموعه مقالات کنگره تأملی بر جایگاه زن، ج ۱/۱۳۲). «و نیز پس از پیروزی انقلاب اسلامی، که برای تشکیل سپاه پاسداران غرب به همدان رفته بودند؛ به تکلیف آیت الله شهید مدنی، فرماندهی سپاه همدان را بر عهده گرفتند و از سال ۵۸ تا ۶۰، در منصب فرماندهی سپاه همدان بودند (مجموعه مقالات کنگره تأملی بر جایگاه زن، ج ۱/۱۳۲).

## ۷. پیشنهادات

مسأله مدگرایی و پوشش بانوان به عنوان مسأله اجتماعی و پدیده‌ای فرهنگی مستلزم راهکارهای اجتماعی در دو سطح خرد و کلان به طور همزمان می‌باشد که به برخی از آنها به شرح ذیل اشاره می‌شود:

۱- مهندسی فرهنگی و اصلاح به موقع ساختار ارزشی و روابط اجتماعی جامعه بر محوریت معرفت دینی و باورهای مذهبی؛

۲- جلب مشارکت عمومی، مدنی و دولتی برای توسعه فرهنگ عفاف و توسعه فرهنگی، زدودن مظاهر غرب زدگی، آراستن جامعه به فضایل اخلاقی، تعمیق عفاف در خانواده و جامعه، تبیین دایمی جایگاه والای زن در اسلام؛

۳- توسعه فرهنگ عفاف و حجاب از طریق روش‌های ذیل:

الف) روش اقتناعی: استدلال عقلی، شرعی و اجتماعی در مورد آثار مطلوب فردی و اجتماعی حجاب. این روش با توجه به اینکه افراد بر اساس باورها و استدلال خود، الگوهای رفتاری و پوشش را انتخاب می‌نمایند، به عنوان اثرگذارترین روش می‌باشد.

ب) روش ترغیبی: ترغیب و آماده‌سازی فرد برای تغییر رفتار از طریق اصرار و تشویق، آموزش‌های جذاب همگانی از طریق بهره‌گیری از گروه‌های مرجع تاثیرگذار و توجه به ذائقه‌های روان‌شناختی و زیبایی‌شناختی؛

ج) روش تسهیلی: ایجاد تسهیل برای تغییر رفتار از طریق در دسترس قرار دادن رفتار مورد نظر از لحاظ ذهنی و عینی با توجه به الگوهای پوشش ملی، متناسب و سازگار با فرهنگ بومی و رفع هر گونه موانع در این فرآیند؛

د) روش تلفیقی: با بهره‌گیری همزمان سه روش قبلی و تاکید بر جلب مشارکت‌های سه گانه عمومی، مدنی و دولتی برای مدیریت امنیت عمومی با توجه به لحاظ قرار دادن مواردی از جمله: تعریف مفهومی و تعیین حدود حجاب و بدحجابی به صورت عینی و مصداقی، تشکیل شورای فراقلمی در راستای کنترل ناهنجاری در پوشش، بازنگری در قانون فعلی بدحجابی و تبصره ۶۳۸

قانون مجازات اسلامی، توجه بیشتر به عرف اجتماعی و تفاوت‌های فرهنگی، عدم تحریک جامعه از طریق پرهیز از هرگونه برخورد‌های فیزیکی، تنبیهی و مجازاتی، جلب مشارکت نهادها، دستگاه‌ها و مدیریت‌های اجرایی و فرهنگی کشور در زمینه ترویج، تشویق و اقدامات فرهنگی متناسب با پوشش اسلامی؛ کنترل مستمر مراکز تهیه و توزیع البسه زنان و پرهیز از رواج مدهای نامناسب و قرار دادن البسه‌های نامناسب در ویترین فروشگاه‌ها و بالاخره توجه و دقت مراکز فرهنگی از قبیل صدا و سیما جمهوری اسلامی و تهیه‌کنندگان فیلم‌های سینمایی از طریق نظارت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و دقت در مورد نوع البسه زنان هنرپیشه و رواج مدهای ناپسند و نامناسب با فضای فرهنگی کشور از طریق فیلم‌های داستانی. (ذوالفقاری، ۱۳۸۵: ص ۹۱)

## ۸. نتیجه‌گیری

مدگرایی و آثار و پیامدهای آن معلول علل متفاوت است، وجود این عوامل در کنار هم بیشتر این پدیده را در جامعه رواج می‌دهد. از عوامل مهم رواج دهنده این پدیده در جامعه تهاجم فرهنگی دشمن و نفوذ در فرهنگ و رسومات جامعه ایرانی و استفاده از زنان و حجاب برای ترویج نقشه‌های استعمارگرانه است. دشمن همواره از راه‌های مختلفی به ترویج مدگرایی منفی در جامعه پرداخته که از آن جمله می‌توان به مبارزه با ارزش‌های دینی، اسلامی، تهاجم به فرهنگ، ترویج برنامه‌های تلویزیونی مختلف در این زمینه و ... نام برد که از طریق آن‌ها در واقع قصد پیاده کردن مدگرایی از نوع نامطلوب آن در جامعه را دارند. دین مبین اسلام علاوه بر آراستگی درونی و سفارش همگان به داشتن لباس تقوا، به آراستگی ظاهری افراد امت خود نیز توجه دارد و در هر زمینه‌ای توصیه‌های لازم و موثری نموده است. مشخص کردن حدود پوشش ظاهری بدین سبب است که مسلمانان به کفار و دشمنان خدا و رسولش شبیه نگردند و مسلمانان با نوع پوشش خود متمایز از اجانب باشند.

لذا در این مقاله سعی شد که با سه رویکرد دین و فرهنگ (حداقلی، حد وسطی، حداکثری) به رابطه دین با مدگرایی و پوشش بانوان در جامعه پرداخته شود، و معیار پوشش بانوان در تراز جامعه اسلامی در رویکرد سوم مفصل مورد بحث بررسی قرار گرفت و به این نتیجه رسیدیم که اگر دین محور فرهنگ‌سازی قرار گیرد و مد و مدگرایی (پوشش و لباس بانوان)، بر اساس معیارهای دینی صورت پذیرد، قطعاً از میزان فحشاء و فساد کاسته خواهد شد و از تهاجم فرهنگی دشمن و مدگرایی نامطلوب جلوگیری بعمل خواهد آمد.

## منابع

- افسری، لیلا (۱۳۹۱)، «بررسی عوامل مؤثر بر ارتقاء سطح حجاب و عفاف»، نشریه علوم رفتاری، ش ۱۳ بافکاره، حسین؛ کرباسیان، قاسم (۱۳۹۰). مد و مدگرایی. قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما. بهشتی، محمد (۱۳۷۰)، فرهنگ فارسی صبا، تهران: نشر صبا.
- پیروزمند، علیرضا (۱۳۹۲). نظریه بنیادین در مناسبات دین و فرهنگ، قم: دفتر نشر معارف.
- حداد عادل، غلامعلی (۱۳۸۹)، «سکولاریزم و دین‌داری»، مجله‌ی طب و تزکیه، ش ۱۱، ص ۱۰۹
- حداد عادل، غلامعلی (۱۳۷۲). فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگ، چ پنجم تهران: انتشارات سروش.
- حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، (دیدار جوانان و دانشجویان دانشگاه‌های استان همدان، ۱۳۸۳/۴/۱۷) قابل دریافت به آدرس: [www. Leader.ir](http://www.Leader.ir)
- رفت جاهد، مریم (۱۳۸۶)، «هویت انسانی زن در چالش آرایش و مد»، مطالعات راهبردی زنان، ش ۳۸ شایان مهر، علیرضا (۱۳۷۷)، دائرةالمعارف تطبیقی علوم اجتماعی، چ اول، تهران: کیهان.
- صبور اردوبادی، احمد (۱۳۶۸)، آئین بهزیستی در اسلام، ج ۴، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- علیرضائی، هاجر (۱۳۹۶)، «نقش زنان در تبلیغ و ترویج مدگرایی افراطی در جامعه»، نشریه مطالعات پژوهشی زنان با رویکرد اسلامی، ش ۶
- فولادی، وحدانه؛ زمانی، نیلوفر (۱۳۹۶)، «هویت بخشی به فرهنگ و پوشش در خانه مد و لباس با استفاده از معماری زمینه‌گرا»، کنفرانس عمرانی، معماری و شهرسازی کشورهای جهان اسلام (۲۰۱۸)
- کرمی، محمدتقی (۱۳۸۷)، «از فمینیسم جهانی تا فمینیسم ایرانی»، مجله حورا، شماره ۲۷
- کریمی نیا، محمدمهدی (۱۴۰۰)، «واکاوی پیامدهای مدگرایی در گزاره‌های اسلامی»، نهمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های مدیریت علوم انسانی در ایران
- کلانتری، علی‌اکبر (۱۳۸۵)، «دیدگاه اسلام درباره پوشش»، مجله‌ی معارف، ش ۳۷
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۹)، مسئله حجاب در اسلام، چ ۵۵، قم: مؤسسه چاپ فجر.
- نیلچی زاده، فروغ (۱۳۸۵)، «رویکردی قرآنی به گونه‌ها و مدل‌های برتر و نازل حجاب»، نشریه بانوان شیعه، ش ۱۰

Research Article

***The Role of Fashion Trends (Women's Clothing) in Alignment with an Islamic Society: Cultural and Religious Approaches***

**Alireza Pirozmand<sup>1</sup> and Majid Vamegh<sup>2</sup>**

Date of received: 2025/04/09

Date of Accept: 2025/05/10

**Abstract**

Clothing is one of the most significant elements of human interaction, serving as a reflection of the culture and prevailing values within a society. It also caters to inherent human tendencies, such as the desire for variety, beauty, and self-expression. This drive toward diversity and novelty in dress has given rise to the phenomenon of fashion, which, due to its widespread presence among different social groups, has evolved into a major global industry. An essential consideration, however, is how culture and identity manifest through clothing, as any change in a society's cultural or social identity is inevitably reflected in its patterns of dress. In the context of an Islamic society like ours, the proliferation of imported fashion trends is perceived as a challenge to maintaining cultural identity. Therefore, this study examines the interplay between religion and culture from three theoretical perspectives: "Religion as a product of culture," "Religion as one of the culture-shaping factors," and "Religion as the core and source of culture-making." Through these lenses, the issue of women's fashion and dress within the framework of an Islamic society is critically analyzed. This research employs a descriptive-analytical approach to explore these three theoretical perspectives and uses library and documentary methods to gather data. The study concludes that fashion trends among women can be harmonized with the cultural and religious framework of an Islamic society, provided the guiding principles of identity, cultural integrity, and religious values are respected.

**Keywords:** Fashion, Fashion Trends, Hijab, Minimal Religion, Maximal Religion.

**Citation (APA 7th ed. / APSA)**

Pirozmand, Alireza; Vamegh, Majid (Winter 2026). "The Role of Fashion Trends (Women's Clothing) in Alignment with an Islamic Society: Cultural and Religious Approaches". *Quarterly Journal of Research in History, Politics and Media*. Vol. 8, Num. 4, S.No. 32, pp. 61- 86.

<sup>1</sup>. Assistant Professor, Department of Cultural Management, Faculty of Humanities, Supreme University of Strategic and Defense Studies, Tehran, Iran. Email: andishe.ar@gmail.com

<sup>2</sup>. PhD Student in Strategic Cultural Management, Faculty of Humanities, Supreme University of Strategic and Defense Studies, Tehran, Iran. Email: majidvamegh1388@gmail.com

Copyright © 2010, KSSI (Karimeh Strategic Studies Institute Of Shiraz). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material.

## References

- Afsari, Leila (2012). "Examining Factors Influencing the Promotion of Hijab and Chastity." *Journal of Behavioral Sciences*, Issue 13. (in Persian)
- Alirezaei, Hajar (2017). "The Role of Women in Promoting Extreme Fashion Trends in Society." *Journal of Women's Research Studies with an Islamic Approach*, Issue 6. (in Persian)
- Bafkareh, Hossein & Karbasian, Ghasem (2011). *Fashion and Fashionability. Qom: Islamic Research Center of IRIB.* (in Persian)
- Beheshti, Mohammad (1991). *Saba Persian Culture. Tehran: Saba Publishing.* (in Persian)
- Fouladi, Vahdaneh & Zamani, Niloufar (2017). "Cultural and Dress Identity in Fashion Houses Using Contextual Architecture." *Conference on Urbanism, Architecture, and Urban Planning in Islamic Countries.* (in Persian)
- Haddad Adel, Gholam-Ali (1993). *Culture of Nudity and Nudity of Culture, 5th Edition. Tehran: Soroush Publishing.* (in Persian)
- Haddad Adel, Gholam-Ali (2010). "Secularism and Religiosity." *Journal of Medicine and Purification*, Issue 11, pp. 109. (in Persian)
- Kalantari, Ali Akbar (2006). "Islamic Perspectives on Clothing." *Journal of Ma'aref*, Issue 37. (in Persian)
- Karami, Mohammad Taghi (2008). "From Global Feminism to Iranian Feminism." *Hura Journal*, Issue 27. (in Persian)
- Kariminiya, Mohammad Mehdi (2021). "Analyzing the Consequences of Fashion Trends in Islamic Discourse." *9th International Conference on Management Research in Humanities, Iran.* (in Persian)
- Motahhari, Morteza (2000). *The Issue of Hijab in Islam, Vol. 55. Qom: Fajr Printing Institute.* (in Persian)
- Nilchi Zadeh, Forough (2006). "A Qur'anic Approach to Superior and Inferior Types of Hijab." *Shiite Women Journal*, Issue 10. (in Persian)
- Pirozmand, Alireza (2013). *Fundamental Theory in Religion and Culture Relations. Qom: Ma'aref Publishing Office.* (in Persian)
- Refatjah, Maryam (2007). "Human Identity of Women in the Challenge of Makeup and Fashion." *Strategic Studies on Women*, Issue 38. (in Persian)
- Sabur Ardoubadi, Ahmad (1989). *The Principles of Welfare in Islam, Vol. 4. Qom: Islamic Culture Publishing Office.* (in Persian)
- Shayanmehr, Alireza (1998). *Comparative Encyclopedia of Social Sciences, 1st Edition. Tehran: Kayhan.* (in Persian)
- Supreme Leader of Iran, Ayatollah Ali Khamenei (2004). *Meeting with Youth and University Students of Hamadan Province, 17/07/2004. Available at: www.leader.ir.* (in Persian)

